



نسخه خطی تذکره کلام الملوک باباجان قزوینی؛ اقتباس یا استنساخ از تذکره الأولیای عطار نیشابوری

آسیه ذبیح‌نیا عمران*

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

(از ص ۱۵۳ تا ۱۶۸)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۹، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲۰

علمی-ترویجی

چکیده

تذکره کلام الملوک، اثری عرفانی به زبان فارسی است که کمال‌الدین حاجی‌بابا بن میرزا جان قزوینی، یکی از برجسته‌ترین شاگردان شیخ‌بهایی، آن را در ۱۴۰۳ق تألیف کرده است. یگانه نسخه خطی این کتاب به شماره ۱۰۲۹۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. موضوع کلام الملوک باباجان قزوینی، در احوالات و سخنان عرفا و اولیاست؛ بنابراین، علاوه بر اینکه این اثر، نشانه اندیشه‌های عرفانی مؤلف است و مانند اغلب متون عرفانی، دارای نثری ساده و به دور از پیچیدگی است و از جملات ساده و کوتاه بهره می‌گیرد، محتوای آن، نموداری از فرهنگ پرمایه عرفان ایران اسلامی و کارنامه عرفای فارسی‌زبان و نیز نمایانگر جلوه‌ای از هویت و فرهنگ ما ایرانیان است. مقاله حاضر می‌کوشد تا با روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش اصلی پاسخ دهد که چرا بیش از نود درصد متن عرفانی کلام الملوک باباجان، از حیث شکل و محتوا، همانند کتاب عرفانی تذکره الأولیای عطار نیشابوری است؟ دستاورد تحقیق نشان می‌دهد که نمی‌توان تذکره عرفانی کلام الملوک را کتابی مستقل به شمار آورد؛ زیرا اثر مذکور تحریر و تهذیبی از تذکره الأولیای عطار است. از آنجا که باباجان، کاتب بوده و آثار عرفا را استنساخ می‌کرده است، به نظر می‌رسد وی خواسته است از این طریق، جُنگی از زندگی عرفا را فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: تحریر و تهذیب، باباجان قزوینی، تذکره الأولیای عطار، استنساخ، تذکره کلام الملوک.

۱. مقدمه

نویسنده کلام الملوک باباجان قزوینی، با نگاه به سبک زندگی عرفا، به مسئله عرفان نظری و تفسیر آن می‌پردازد. به علاوه، او با نگاهی به عرفان اسلامی، به ذکر حکایاتی از عارفان پرداخته است. این کتاب مشتمل بر مباحث مهمی درباره حالات صوفیه است.

مقاله حاضر به این پرسش پاسخ می‌دهد که دلایل اقتباس گسترده کلام الملوک باباجان قزوینی از تذکره الاولیای در چیست؟

در برخی از مقالات، کتاب‌ها و منابع عربی و فارسی، به تذکره عرفانی کلام الملوک و انتساب آن به باباجان قزوینی، اشاراتی کوتاه شده است که عبارت‌اند از: ۱. بخشی از دست‌نوشته‌های آثار بهاء‌الدین عاملی (متوفی ۱۰۳۰ق) که به کوشش سید محمود مرعشی نجفی و میر محمود موسوی گردآوری شده است و در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی (گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی) نگهداری می‌شود. در این مجموعه به زندگی باباجان قزوینی اشاراتی شده است؛ ۲. در ۱۳۰۰ق، به دستور صنیع‌الدوله کتاب مشکول حاجی‌بابا قزوینی با ترجمه عبارات عربی آن به همت محمدباقر بن اسماعیل حسینی خاتون‌آبادی، از روی نسخه متعلق به شیخ محمد مهدی بن حاجی ملا آقابزرگ، در تهران به چاپ سنگی رسید. ۳. سید محمدعلی روضاتی در کتاب در پرتو روضات؛ پنجاه مقاله در تراجم، کتاب‌شناسی، نسخه‌شناسی و تاریخ (۱۳۹۱)، از باباجان قزوینی و نسخه خطی کلام الملوک او نام می‌برد؛ ۴. محمدرضا بندرچی، در مقاله‌ای با عنوان «رساله حاجی‌بابا قزوینی در شرح یک حدیث نبوی» (۱۳۷۹) به معرفی کوتاه باباجان پرداخته است؛ ۵. بشری در مقاله‌ای با عنوان «حاجی‌بابا قزوینی، برجسته‌ترین شاگرد شیخ‌بهایی» (۱۳۹۴) شرحی مختصر از زندگی باباجان قزوینی ارائه و کتاب مشکول او را معرفی می‌کند؛ ۶. ذبیح‌نیا عمران، در مقاله «بررسی آموزه‌های عرفانی اوشو و تذکره عرفانی کلام الملوک باباجان قزوینی» (۱۳۹۷) به بررسی جنبش عرفانی اوشو در قرن بیستم که مدعی نجات انسان بود، و دیدگاه‌های عرفانی باباجان قزوینی که او نیز در پی تعلیم مضامین اخلاقی برای نجات آدمی است، پرداخته است؛ ۷. ذبیح‌نیا عمران همچنین در مقاله دیگری با عنوان «بررسی مؤلفه‌های خودشکوفایی و کمال‌طلبی در تذکره عرفانی کلام الملوک باباجان قزوینی و نظریات آبراهام مزلو» (۱۳۹۸) به شیوه توصیفی - تحلیلی و براساس الگوی شخصیت آبراهام مزلو، خودشکوفایی و کمال‌طلبی را در اندیشه‌های باباجان قزوینی بررسی و تحلیل کرده است.

همان‌گونه که از عناوین مقالات و کتاب‌های یادشده پیداست، اغلب این آثار تنها به ذکر نام و معرفی مختصر باباجان قزوینی پرداخته‌اند و در آن‌ها نسخه خطی کلام الملوک و رونویسی آن از

تذکره‌الاولیای عطار نقد نشده است و لذا، ضرورت مطالعه و پژوهش در این زمینه بر ما روشن می‌شود.

این پژوهش با رویکرد قیاسی، به روش تحلیلی- توصیفی که روشی کیفی است، انجام شده است. همچنین این پژوهش به شیوه متن‌محور به دنبال بررسی و تحلیل عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار در فضای متن عرفانی کلام‌الملوک است. در این تحقیق با استفاده از روش تحلیل محتوا، تلاش می‌شود تا نسخه خطی این کتاب تحلیل و ارزیابی شود. همچنین روش تحقیق در این طرح پژوهشی، موردی-زمینه‌ای با رویکرد همبستگی است. در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از روش اسنادی (یادداشت‌برداری به صورت توصیفی) و پیمایشی (استفاده از متن نسخه خطی) استفاده شده است. جامعه پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی است.

۲. انواع سرقات یا اقتباسات ادبی

سرقت‌های ادبی در فرهنگ ادبیات فارسی به پنج دسته تقسیم شده است: نسخ یا انتحال، مسخ یا اغاره، سلخ، إمام و نقل (شریفی، ۱۳۸۷: ۷۹۲)؛ اما شمس قیس سرقات را چهار نوع می‌داند: «و باید دانست کی سرقات چهار نوع است: انتحال و سلخ و إمام و نقل» (۱۳۳۸: ۴۶۴).

همایی، در کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی، در یازده بخش سرقات را بررسی می‌کند: نسخ یا انتحال، مسخ یا اغاره، سلخ یا إمام، نقل، شیادی و دغل کاری، حل، عقد، ترجمه، اقتباس، توارد، تتبع و تقلید (همایی، ۱۳۶۸: ۳۵۷). او پنج مورد نخست را ارکان اصلی سرقات ادبی و بقیه را از فروع آن‌ها می‌داند. تفتازانی در شرحی که بر کتاب تلخیص المفتاح خطیب قزوینی نوشته است، بحثی تحت عنوان «فی السرقات الشعرية و ما يتصل بها و غیر ذلك» دارد که به تفصیل به سرقات پرداخته است (تفتازانی، ۱۳۶۹: ۲۱۹). مبحث نزدیک به انتحال، «اقتباس» و «تضمین» است. اقتباس در اصطلاح اهل ادب آن است که آیه‌ای از قرآن، حدیث یا بیتی معروف را چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال. هرگاه در گرفتن اثری از نظم و نثر شعرا و نویسندگان، قرینه و قصد اقتباس در کار نباشد، محلّ تهمت سرقت است (همایی، ۱۳۶۸: ۳۸۴).

«اقتباس وفادار» (Loyal Adaptation): در این شیوه از اقتباس، تلاش می‌شود تا روح اثر

اصلی حفظ و منبع ادبی بازآفرینی شود (جانتی، ۱۳۸۱: ۲۴۲).

«اقتباس لفظبه لفظ» (Word to word Adaptation): انتقال جزء به جزء متن ادبی، بدون

آنکه تغییری در داستان ایجاد کند؛ البته باید در نظر داشت که اقتباس به این شیوه، تنها زمانی

صورت می‌گیرد که اثر ادبی بسیار شاخص باشد و نیازی به هیچ‌گونه تغییر در متن احساس نشود (بازن، ۱۳۷۶: ۶۰).

۳. حاجی‌بابا قزوینی و کلام الملوک

کمال‌الدین حاجی‌بابا ابن میرزا جان قزوینی،^۱ یکی از برجسته‌ترین شاگردان شیخ‌بهای است. او حاجی‌بابا نام دارد که نامی تقریباً مرسوم در قزوین بوده است. محل تولد او بر اساس نسبت مشهورش، به احتمال زیاد قزوین است؛ اما بیشتر عمر علمی وی در اصفهان و در محضر شیخ‌بهای، و نیز مناطقی که شیخ در آنجا اقامت داشت، گذشته است. قدیمی‌ترین سندی که از او در اختیار است، نسخه خطی کنز‌العرفان فاضل مقداد است که در ۱۳ ذی‌حجه ۹۸۰ ق در کربلا از کتابت آن فارغ شده است. این نسخه، اینک به شماره ۱۱۶۷۴ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی‌نگهداری می‌شود (حسینی، ۱۳۷۵: ۴۵۴/۲۹). کلام الملوک به سال ۱۰۴۳ ق تألیف شده و نسخه دیگری از آن یافت نشد. اثری ارزنده در عرفان به فارسی که نسخه یگانه آن به شماره ۱۰۲۹۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود (صدرایی خونی، ۱۳۷۷: ۳۰۵/۳۲). در دیباچه، مؤلف خود را باباجان ابن حاجی روحی‌جان قزوینی معرفی می‌کند. مؤلف کتاب مدت بیست‌وهشت سال در خدمت پیر شریعت و طریقت و حقیقت خود، شیخ بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی بوده است.

۴. پیشینه استنساخ برداری باباجان قزوینی

باباجان قزوینی به شغل استنساخ اشتغال داشت و آثار بسیاری را نسخه‌برداری می‌کرد. از رقم پایانی دو نسخه جبل‌المتین و خلاصة‌الأقوال که او آن‌ها را استنساخ کرده است، به خط او همچنین مجموعه‌ای از رسالات حسین بن عبدالصمد، پدر شیخ‌بهای را دیدم، [...] و شرح قصیده راثیه همو در مدح امیرالمؤمنین^ع که او آن نسخه را در ۹۸۵ ق کتابت کرده و نسخه نزد آقا شیخ‌علی قمی (۱۳۷۱ ق) است (تهرانی، ۱۳۸۸: ۶۳/۵).

وی قصیده عربی شیخ، موسوم به «قصیده الفوز و الأمان» را نسخه‌برداری کرده است (باباجان قزوینی، ۱۳۰۰: ۱۸). نسخه جبل‌المتین شیخ‌بهای به عربی است که در ۱۰۰۷ ق از نگارش مجلد نخست آن در مقابل ضریح رضوی در مشهد فارغ شده (ناجی نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۲۵۱) و حاجی‌بابا کتابت نسخه‌ای از آن را در همان ایام به انجام آورده است. آقابزرگ نسخه یادشده را در کتابخانه فاضل خوانساری دیده است (تهرانی، ۱۳۵۵: ۲۴۱/۶ و ناجی نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۹۲)؛ نسخه‌ای که اینک

به شماره ۴۶ در کتابخانه فاضل خوانساری (حسینی اشکوری، ۱۳۷۴: ۳۷/۱) و عکسی از آن در مرکز احیاء به شماره ۱۲۰ نگهداری می‌شود (حسینی اشکوری، سیدجعفر و سیدصادق، ۱۳۸۳: ۱۴۲/۱).

در فاصله بین ۱۰۱۶ تا ۱۰۲۰ق، حاجی‌بابا از کتابت سه رساله که دو مورد آن از تألیفات شیخ است، در اصفهان فارغ شده و شیخ سه اجازه قرائت آثار خود را برای او در آن نسخه نگاشته است. این نسخه که اکنون به شماره ۱۴۲۳۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود (صدرایی خوئی، ۱۳۷۷: ۳۴۵/۳۸)، شامل اجازه به حاجی‌بابا برای روایت این رساله‌هاست. از همین نسخه مجموعه‌ای، رساله‌ای در فهرست مجلس معرفی شده است که نشان می‌دهد حاجی‌بابا تقریرات درس محقق کرکی را بر جامع المقاصد، تدوین و استنساخ کرده است. حاجی‌بابا در ۱۰۲۲ق، از کتابت نسخه‌ای از مشرق‌الشمسین شیخ‌بهایی در اصفهان که اینک به شماره ۱۰۴۹۸ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی نگهداری می‌شود (حسینی، ۱۳۷۵: ۴۰۶/۲۶)، فراغت یافته و شیخ در ۱۰۲۸ق اجازه‌ای برای او در پایان نسخه نوشته است. این اجازه مهم و ارزنده، حاکی از آن است که شیخ‌بهایی اجازه روایت آثاری چون اصول اربعة امامیه و تمامی تألیفات خود را در علوم عقلی و نقلی به او داده است (مرعشی نجفی و موسوی، ۱۳۸۷: ۲۶۲). یادداشت‌های حاجی‌بابا بر یک صفحه از مجموعه‌ای که شخصی آن را در ۱۰۲۳ق در مدرّس شیخ‌بهایی در اصفهان کتابت کرده است، اینک به شماره ۷۴۱۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود (حسینی اشکوری، سیدجعفر و سیدصادق، ۱۳۸۳: ۳۱۱/۵). حاجی‌بابا نسخه‌ای از خلاصة الأقوال علامه حلی را نیز که اکنون در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی به شماره موقت ۱۴۰۴۹م نگهداری می‌شود (مرعشی نجفی و موسوی، ۱۳۸۷: ۶۴)، در ۱۰۲۷ق برای شیخ‌بهایی قرائت و آن را تصحیح کرده است.

حاجی‌بابا نسخه‌ای از شرایع الإسلام محقق حلی را در تملک داشته که در ۹۴۵ق کتابت شده بوده و یادداشت تملک او، البته بدون تاریخ، بر آن ثبت شده است. این نسخه اینک به شماره ۹۶۳۸ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود (طباطبائی بهبهانی، ۱۳۸۸: ۲۷/۳۱). همچنین محمدمحسن بن محمّدصادق بروجردی، گردآورنده مجموعه‌ای نفیس بین ۱۰۹۵ تا ۱۱۰۴ق در اصفهان، که نسخه خطی اصل و یگانه آن در دانشگاه تهران موجود است (دانش‌پژوه، ۱۳۴۰: ۲۵۲۲/۱۲)، مطلبی فقهی را از روی خط حاجی‌بابا آورده که او نیز آن را از خط شیخ‌حسین بن عبدالصمد (پدر شیخ‌بهایی) نقل کرده است:

نقلته من خطّ الشَّيْخِ الأَجَلِ الأَمجدِ الشَّيْخِ حَسینِ بنِ عبدالصَّمَدِ، عَلیهِ الرِّحمةِ والمَغفَرَةِ، بِوِاسطَةِ
وهو الفاضل المرحوم مولانا حاجی‌باباء القزوينی، رحمة الله تعالى. كَتَبَهُ المُذنبُ محمدمحسن
البروجردی (صادق بروجردی، ۱۰۹۵: ۲۷۲).

حاجی بابای قزوینی، از ۱۰۰۱ تا ۱۰۲۸ق، با شیخ در ارتباط مستقیم بوده و در بسیاری سفرها او را همراهی کرده است. دریافت چهار اجازه روایت که در آخرین آن‌ها شیخ تمامی آثارش را برای روایت کردن حاجی بابا نام برده و بر برخی به صورت خاص تأکید کرده است، نشان‌دهنده کمال اعتقاد شیخ بهایی به دانش اوست (بشری، ۱۳۹۴: ۵۹۰).

۵. استنساخ از تذکره اولیای عطار یا تحریر یا اقتباس؟

با وجود همه این مباحث درباره کاتب بودن باباجان قزوینی، نکته درخور توجه این است که او عیناً مطلب کتاب تذکره اولیا را ذکر نکرده است و اغلب مباحث را با کمی تغییر و در حد افزودن چند جمله یا عبارت و ترکیب یا افزودن بیتی روایت می‌کند؛ این امر ظن انتحال یا حتی سلخ و المام را افزایش می‌دهد.

یا باید اذعان کرد که باباجان تذکره اولیا را تحریر و بازنویسی کرده است. یکی از معانی لغوی تحریر، اصلاح و بازنویسی متن است. اضافه شدن واژه «تحریر» به اسم کتاب، به این معنی است که آن کتاب یا رساله تهذیب و بازنویسی شده است. به نمونه زیر در ذکر معروف کرخی از کتاب تذکره اولیا و کلام الملوک باباجان توجه کنید:

آن همدم نسیم وصال، آن محرم حریم جمال، آن مقتدای صدر طریقت، آن راهنمای راه حقیقت، آن عارف اسرار شیخی، قطب وقت، معروف کرخی رحمة الله علیه، مقدم طریقت بود و مقدم طوایف بود و مخصوص به انواع لطایف بود و سید محبتان وقت بود و خلاصه عارفان عهد بود؛ بلکه اگر عارف نبودی، معروف نگشتی. کرامت و ریاضت او بسیار و در فتوت و تقوی آیتی بود و عظیم لطفی و قریبی تمام داشته است و در مقام انس و شوق به‌غایت بوده است و مادر و پدرش ترسا بودند [...] (عطار، ۱۳۳۶: ۱۵۹).

ذکر معروف کرخی رحمة الله علیه؛ آن همدم نسیم وصال، آن محرم حریم جلال، آن مقتدای صدر طریقت، آن راهنمای راه حقیقت، آن عارف اسرار شیخی، قطب وقت، معروف کرخی رحمة الله علیه، مقدم طریقت بود و مقدم طوایف بود و مخصوص به انواع لطایف بود و سید محبتان وقت و خلاصه عارفان عهد بود، بلکه اگر عارف نبودی، معروف نگشتی. کرامات و ریاضت او بسیار است و در فتوت و تقوی آیتی بود و عظیم لطفی و قریبی داشته است و در مقام انس و شوق به‌غایت بوده است و مادر و پدر او ترسا بودند [...] (باباجان قزوینی، ۱۴۰۳: ۱۷۶).

همان‌گونه که در این عبارات مشهود است، تفاوت دو نسخه، در «جمال/جلال»، «بود»،

«تمام» و «است» است!

تفاوت کلمات و واژگان دو نسخه آن‌قدر ناچیز است که تقریباً می‌شود مدعی شد باباجان تذکره اولیا را استنساخ و تحت عنوانی جدید عرضه کرده است! شاید عطار نیشابوری می‌بایست

در کتاب تذکرة الأولیا همچون هجویری در جای جای کشف‌المحجوب نام خود را می‌آورد تا در انتساب کتاب به وی تردید نشود (هجویری، ۱۳۸۶: ۲)!

۶. محتوای تذکرة کلام‌الملوک

باباجان قزوینی در کلام‌الملوک به بررسی زندگی و سیره عملی ۳۶ نفر از صوفیه پرداخته است. به نظر می‌رسد او شیعه متعصبی بوده است، زیرا در روایات خویش ظاهراً صوفیانی را حذف کرده که پیشوند یا پسوند اهل تسنن بر نام آن‌ها بوده یا همنام سه خلیفه اول بوده‌اند؛ نظیر عمرو بن عثمان مکی، [ابو]عثمان حیری، ابو بکر صیدلانی، شیخ ابوبکر واسطی و شیخ ابوعثمان مغربی. یا کسانی از بزرگان و پیشوایان اهل تسنن؛ مانند امام جهان ابوحنیفه، امام اعظم شافعی‌المطلبی، امام احمد حنبل.

این در حالی است که تذکرة الأولیا در شرح احوال ۹۷ تن از بزرگان اولیا و عرفا و مشایخ صوفیه است. به نظر محمد استعلامی، دست‌نویس‌های معتبر تذکرة الأولیا تا قرن دهم هجری، شامل ۷۲ باب است که نخستین باب آن، به حالات و سخنان جعفر صادق و باب هفتاد و دوم، به حسین بن منصور حلاج اختصاص یافته است؛ اما پس از قرن دهم، فصل‌های دیگری با عنوان «ذکر متأخران از مشایخ کبار» بر این کتاب افزوده شده که حالات و سخنان بیست و پنج تن از عارفان قرن‌های چهارم و پنجم را دربردارد (عطار، ۱۳۸۳: مقدمه/۳۶)؛ البته عطار توجه دارد که اولیا روش و دید یکسان ندارند، اما چون آنان را در راه حق می‌داند، هر یک را در جای خود می‌ستاید؛ به همین دلیل، امام ششم شیعیان را در کنار چهار امام اهل سنت ذکر می‌کند (همان: مقدمه/۱۲) و پس از آن چهارتن، به صراحت زبان به ستایش اهل بیت می‌گشاید و می‌گوید اگر ستایش آل محمد خلاف سنت است، بگذار که جن و انس مرا گمراه بدانند (همان: مقدمه/۱۳).

فهرست عرفایی که باباجان احوال، اقوال و سیره آن‌ها را بررسی کرده است: ابن محمد جعفر الصادق رضی، اویس القرنی، حسن بصری، مالک دینار، محمد بن واسع، حبیب عجمی، ابوحازم مکی، عتبه بن الغلام، رابعه عدویه، فضیل بن عیاض، ابراهیم ادهم، بشر حافی، ذوالنون مصری، بایزید بسطامی، عبدالله بن المبارک، ابوسلیمان دارانی، ابن سَمَک، محمد بن اسلم الطوسی، احمد حرب، حاتم اصم، سهل بن عبدالله التستری، معروف کرخی، سری سقطی، فتح موصلی، احمد بن ابی‌الحواری، احمد خضرویه بلخی، ابوتراب نخشبی، یحیی بن معاذ، شاه‌شجاع کرمانی، یوسف بن الحسین، ابوحفص حداد، احمد بن عاصم انطاکی، عبدالله خبیق، جنید بغدادی، حسین بن منصور، امام محمد باقر.

در تذکره‌الاولیا ترتیب صورت اسامی بر اساس حروف الفبا نیست. بخش اول کتاب پس از دیباچه، با شرح حال امام صادق آغاز می‌شود و با حسین بن منصور حلاج پایان می‌پذیرد. بخش دوم که به «ذکر متأخران از مشایخ کبار» اختصاص دارد، با گزارش احوال ابراهیم خواص آغاز می‌شود و با بیان احوال امام باقر به پایان می‌رسد (روح بخشان، ۱۳۸۸: ۵۷).

باباجان قزوینی در انتها و پس از ذکر احوال امام باقر می‌گوید:

تمام شد راه و روش و کلام اولیا؛ ماند خاتمه کتاب و در آن شش فصل است: فصل اول، در توکل و توحید؛ فصل دوم، در قرآن خواندن و فضیلت آن؛ فصل سوم، در دعاخواندن؛ فصل چهارم، در ذکرکردن؛ فصل پنجم، در تسبیح؛ فصل ششم، در امر به معروف و نهی از منکر (۱۴۰۳: ۱۳۳).

او آغاز و انجام کتابش را با احادیث نبوی که در چهل حدیث استادش، شیخ بهایی، آمده، به رشته تحریر درآورده است. در یک جا بیتی از نان و حلوا (بدون ذکر نام این منظومه) می‌آورد و درباره آن توضیح می‌دهد: «مصنّف دام ظلّه در مثنوی گفته است.» (همان: ۸) که به نظر برگرفته از شرح چهل حدیث شیخ است و این جمله، نقل قول مستقیم از آن.

۷. همسانی انگیزه نگارش کلام الملوک و تذکره‌الاولیا

انگیزه نگارش کلام الملوک، بیان یک دوره تعلیمات صوفیانه برای مردم صوفی‌ستیز روزگار است که بخش زیادی از آن به نقل احوال، اقوال و کرامات صوفیان متقدم پرداخته است. در این تذکره آمده است:

به خاطر فقیر رسید که درویشانی که در این زمان اند و دعوی تصوّف می‌کنند و به سخن که می‌آیند، بایزید را قبول ندارند و حال آنکه نه از شریعت خبر دارند و نه از طریقت و نه از حقیقت، و تصوّر کرده‌اند که اولیای خدا هم مثل ایشان بوده‌اند و زبان خلاق را حتی علما را بر خود دراز کرده‌اند، راه و روش صوفیه را و از اصطلاحات ایشان بوی نبرده‌اند؛ پس بعد از استخاره اراده کرده شد که سخنانی که از اکابر نقل کرده‌اند و بعضی از سلوک ایشان که در کتاب‌ها نقل کرده‌اند، جمع کنیم تا درویشان را از آن فایده باشد و [...]، زیرا که گفته‌اند: «کلام الملوک ملوک الکلام»؛ یعنی سخن بزرگان، بزرگ سخنان است، و دیگر بدانند که اکابر صوفیه همه در علم شریعت و طریقت و حقیقت، مجتهد بوده‌اند؛ شاید که ایشان را دعوی در دین پیدا شود [...] پس این کتاب را کلام الملوک نام کردیم و امیدواریم از پروردگار عالم که هرکه مطالعه کند، از برای این بی‌بضاعت دعای خیر کند (باباجان قزوینی، ۱۴۰۳: ۱).

عطار در مقدمه تذکره‌الاولیا در باره انگیزه تألیف آن می‌گوید که پس از قرآن و اخبار پیامبر ص هیچ سخنی برتر از سخنان مشایخ طریقت نیست. او با این اعتقاد و بنا به درخواست دوستان این

کتاب را تألیف کرده است. وی در نقل سخنان مشایخ، به شرح آن سخنان نمی‌پردازد، مگر برای رفع شبهه (← عطار، ۱۳۹۳: ۵). عطار در آغاز کتاب دلایل مختلف و به قول خودش سبب‌ها و باعث‌های گوناگون برای این کار را ذکر کرده است. او در این باره می‌گوید:

تا فردا نظر شفاعتی در این کار عاجز کنند و مرا چون سگ اصحاب کهف نومید نگردانند (همان: ۵۷).

فریدالدین عطار نیشابوری با هدف الگوگرفتن از سیره عملی و گفتاری صوفیه به تألیف سیره آنان پرداخته است. به نظر می‌رسد اغلب صوفیان از تألیف کتاب انگیزه‌های یکسانی دارند. مشابه انگیزه عطار و باباجان قزوینی که در آغاز رساله قشیریّه نیز دیده می‌شود. رساله قشیریّه اثر ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری، یکی از مهم‌ترین کتب تصوّف در قرن پنجم هجری است. این رساله، بنا به گفته قشیری برای مریدان و صوفیان مبتدی نوشته شده و علت نگارش آن، ظهور فساد در طریقت ذکر شده است (قشیری، ۱۳۶۱: ۱۸). کشف‌المحجوب از قدیمی‌ترین و معتبرترین کتاب‌های فارسی در تصوّف است. به نظر می‌آید این کتاب یکی از مآخذ عطار در تذکرة الأولیا بوده است (بهار، ۱۳۸۴: ۱۸۷/۲). هجویری هم در کشف‌المحجوب می‌خواسته است که دایرة‌المعارفی از معارف صوفیه تدوین کند.

رشیدالدین میبیدی هم در کشف‌الأسرار انگیزه مشابهی نقل می‌کند.^۲

۸. استفاده از مآخذ مشترک در تدوین زندگی عرفا

مطالعه تذکرة الأولیا و مقایسه مطالب آن با منابع دیگر صوفیه، نشان می‌دهد که عطار از مهم‌ترین آثار فارسی و عربی مقدم بر تذکرة الأولیا مطالبی برگرفته است. خود او در مقدمه آن از کتاب‌های شرح‌القلب کشف‌الأسرار، و معرفة‌النفس یا معرفة‌النفس والرّب نام می‌برد؛ البته عطار تصریح نمی‌کند که در تألیف تذکره، این سه کتاب منبع او بوده است.

از آثار صوفیانه مشهوری که با احتمال بسیار، ممکن است مآخذ نقل‌های مؤلف تذکره باشند، عبارت‌اند از: طبقات‌الصوفیه اثر عبدالرحمان محمد بن حسین سلمی نیشابوری، حلیة الأولیاء ابونعمین اصفهانی، رساله قشیریّه ابوالقاسم قشیری و ترجمه فارسی آن که به دست شاگردش، ابوعلی عثمانی انجام شده است، و نیز کشف‌المحجوب هجویری احتمالاً از منابع عطار بوده است (بهار، ۱۳۸۴: ۲۰۹/۲). باباجان قزوینی نیز در تذکرة کلام‌الملوک از مآخذ عطار بهره برده است.

۹. استفاده از گزاره‌های قالبی یکسان در مدخل و پایان بحث

عطار در تذکره‌الاولیا، در آغاز زندگی هر عارف با عبارات مسجع و آهنگین، ترکیبات تحمیدی‌ای خلق می‌کند که در تذکره‌نویسی بی‌نظیر است:

آن ولیّ قبه غیرت، آن صفیّ پرده وحدت، آن صاحب یقین بی‌گمان، آن خلوت‌نشین بی‌نشان، آن فقیر عدمی، حبیب عجمی، رحمة‌الله علیه، صاحب صدق و صاحب همت بود، و کرامات و ریاضات کامل داشت، و در ابتدا مال‌دار بود و ربا دادی و به بصره نشستی [...] (عطار، ۱۳۹۳: ۵۶).

یا سجعی که در آغاز ذکر رابعه عدویه آورده:

آن مخدّره خدر خاصّ، آن مستوره ستر اخلاص، آن سوخته عشق و اشتیاق، آن شیفته قرب و احتراق، آن نایب مریم صفیّه، آن مقبول رجال، رابعه عدویه [...] (همان: ۵۶).

نکته درخور توجه این است که باباجان قزوینی نیز در کلام الملوک همین عبارت (با اندکی تغییر) را استفاده می‌کند:

ذکر حبیب عجمی رضی‌الله عنه: آن ولیّ قبه غیرت، آن صفیّ پرده وحدت، آن صاحب صدق و همت، آن صاحب یقین بی‌گمان، آن خلوت‌نشین بی‌نشان، آن فقیر عدمی، حبیب عجمی رحمة‌الله علیه صادق صدق بود و کرامات و ریاضات شامل داشت و در ابتدا مال‌دار و ربا ستاننده بود در بصره [...] (۱۴۰۳: ۷۶).

شرح احوال برخی از صوفیان در تذکره‌الاولیا از دو صفحه تجاوز نمی‌کند؛ مانند ذکر محمّد بن واسع، ابن سمّاک، عبدالله خبیق، ابراهیم رقی، علی سهل، احمد مسروق و ابوعلی جوزجانی، درحالی‌که ذکر بعضی از آنها بیش از پانزده صفحه است؛ مثل ذکر احوال حسن بصری، رابعه عدویه، ابراهیم ادهم، ذوالنون مصری. بلندترین بخش کل کتاب، ذکر احوال و اقوال بایزید بسطامی است که از پنجاه صفحه درگذشته است. این نکات در تذکره باباجان قزوینی هم رعایت شده است.

۹. استشهاد به آیات قرآن کریم و احادیث

یکی از شاخصه‌های نثر تذکره‌الاولیا و کلام الملوک، تأثیر پررنگ و همه‌جانبه قرآن کریم در این دو کتاب است. استفاده از آیات قرآن کریم به منظور تشبیه، تعلیل، توصیف، تأکید و ... در هر دو متن دیده می‌شود. این دو نویسنده، از تضمین آیات، در جهت بیان صریح‌تر معانی استفاده می‌کنند.

استفاده از آیات و احادیث در نثر و نظم فارسی از قرن چهارم تا نیمه اول قرن پنجم، در حدی که در رساندن معنای کلام مفید واقع شود، استفاده می‌شده و بعد از آن [...] استفاده از آیات و

احادیث هم در حوزه معنایی و هم در جهت آراستن کلام در حدی متعارف و خالی از تکلف است (شمیسا، ۱۳۸۲: ۷۶-۷۷).

عطار و باباجان قزوینی، از آیات، در معنا و مفهوم و هم در جهت آراستگی کلام و لفظ بهره گرفته‌اند. استفاده از آیات، همچون دیگر آراستگی‌ها و زینت‌های کلام که در نثر تذکرةالأولیا و کلام‌الملوک و شیوه بیان این دو، به زیبایی و به دور از تکلف و تصنع آورده شده، گاه به صورت آشکار و گاه با اشاره و تلمیح آورده می‌شود. و گاه آن‌چنان در بطن و عمق کلام فرومی‌رود که با زبان درآمیخته است؛ به طوری که مخاطب، بدون مراجعه به معنا، تشخیص نخواهد داد که در آنچه خواننده و به سادگی از آن گذشته به شکل‌های پنهان از کلام قرآن استفاده شده است.

نقل آیات از سویی، هنر نویسنده و نوآوری‌های او را در نثرنویسی نشان می‌دهد و از جهتی، نشان از آگاهی و تسلط فراوان به مفاهیم قرآن کریم دارد، حتی گاهی از کلمه قرآنی، ترکیبی قرآنی می‌آفریند.

نثر تذکرةالأولیا و کلام‌الملوک با ایجاز همراه است؛ به طوری که این دو نویسنده تلاش می‌کنند در کمترین کلام، بیشترین معنا را ذکر کنند. استفاده از آیات کمک می‌کند که معنا، زودتر و آسان‌تر به مخاطب تفهیم شود و به ظاهر کلام نیز آراستگی می‌بخشد.

[...] این را از قرآن نوید داده گفت: بلی. قال الله تعالى: (كُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ)؛ یعنی هر چیزی را که می‌خوانیم بر تو از اخبار پیغمبران و آن چیز چیست آنچه ثابت می‌گردانیم و بر جای می‌داریم به آن دل تو را یعنی فایده‌ای رسد، این است که دل تو را بیاراید و یقینات بیفزاید و بر ادای رسالت ثبات نمایی و بر ایدای کفار شکیبایی باشی [...] (باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۱).

[...] آیه وافی هدایت (الست بریکم قالوا بلی) (همان: ۵).

در لوح محفوظ نوشته‌اند تا آن وقت نرسد، بیرون رفتن از سرای فانی میسر نیست و چون منقضی شود، لمحهای مجال توقف نه. چنانچه آیه کریمه (إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ) به آن ناطق است (همان: ۷).

از دیگر مختصات نثر تذکرةالأولیا و کلام‌الملوک، تأثیرپذیری از احادیث و ادعیه منسوب به معصومین^ع است که نشان از آشنایی کامل نویسندگان این دو کتاب با احادیث دارد:

حدیثی که روایت شده است از حضرت مقدسه مصطفوی، صلوات الله علیه و آله، که «مررت لیلة اسری لی بقوم تقرض شفاههم بمقاریض من نار فقلت من انتم فقالوا کنا نامر بالخیر و لانا تیه و تنهی عن الشر و ناتیه»؛ یعنی شبی که مرا به معراج می‌بردند، گذشتم بر جمعی که لب‌های ایشان را به مقراض آتشین قطع می‌کردند. از ایشان پرسیدم که شما چه کسانیید؟ و به چه گناه مستوجب این عقوبت شده‌اید؟ گفتند: بودیم ما جمعی در دار دنیا که مردم را به خیر و اعمال

نیک [...] می‌ساختیم و خود مبادرت به آن نمی‌نمودیم و ایشان را از مناهی منع می‌کردیم و خود مرتکب آن بودیم و دامان کردار ما به آن آلوده بود (باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۱۶۱).
 نقل است که چون مادرش به کتاب فرستاد و به سورت لقمان رسید، بدین آیت که (أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ)؛ حق تعالی می‌گوید: شکر گوی مرا و شکر گوی مادر و پدر را، از استاد در معنی این آیت پرسید [...] گاه‌گاه خواجه عالم، علیه الصلوة والسلام، روی سوی یمن کردی و گفتم: [...] اَنْ لاجد نفس الرحمن من قبل اليمن)؛ یعنی نفس رحمن از جانب یمن همی‌یابم (عطار، ۱۳۳۶: ۱۶۱-۱۶۲).
 حق تعالی می‌فرماید: (يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا)؛ یعنی آن روز که کودکان را پیرگرداند (همان: ۵۳۵).

و یکی او را گفت: از کجا می‌خوری؟ گفت؟ (لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ). (همان: ۲۹۸).

تفویض مقدمه رضاست والرضا باب الله الاعظم [...] (همان: ۴۸۱).

کاربرد آیه و حدیث در تذکره الاولیا بسیار متنوع است و غالباً برای تأیید و تأکید به کار می‌رود و مؤلف به اقتضای معنای متن، آن‌ها را ذکر می‌کند، نه برای آرایش کلام. شیخ عطار در استعمال آن‌ها افراط نورزیده، بلکه در مناسبت‌های خاص از آنها استفاده کرده است؛ به طوری که در متن کتاب با لحاظ کردن بخش بیست و پنج‌گانه ملحقات، بدون موارد تکراری، حدود ۱۵۰ حدیث به کار برده است. سخنان مشایخ نیز که شیخ آن‌ها را به عربی درج کرده، از پنجاه مورد کمتر است.

۱۰. به‌کارگیری اشعار در جوف نثر

شیخ عطار در متن تذکره الاولیا از اشعار فارسی اندکی استفاده می‌کند. این اشعار در برخی از چاپ‌ها ناچیز است و اشعار عربی آن نیز به بیست بیت بالغ نمی‌شود.

در کلام الملوک باباجان قزوینی اشعار فارسی بسیاری از شیخ‌بهای و شاعران بزرگ زبان فارسی استفاده شده است. این اشعار در نثر کلام الملوک جای مشخصی ندارند؛ گاهی در صدر متن و مبحث اصلی به کار می‌روند و گاهی در هماهنگی و تناسب با متن، در ضمن متن به کار گرفته می‌شوند و زمانی نیز در پایان مبحث، به‌عنوان حسن ختام می‌آیند.

اشعار استفاده‌شده در کلام الملوک، از نظامی، مثنوی معنوی، افضل‌الدین کاشانی، مؤمن حسین یزدی، شیخ‌بهای و ... گزینش شده‌اند. در این عبارت ابیاتی از مثنوی مولوی در کلام الملوک به‌عنوان شاهد مثال نقل می‌شود:

[...] چنان‌چه کلام مولوی در مثنوی معنوی شاهد بر آن است که گفته است:

پای استدالیان چوبیین بود پای چوبیین سخت بی تمکین بود

مولانا مؤمن حسین یزدی رحمة الله نیز درین مقام رباعی دارد که ذکر آن نیز اگرچه در اصل بیت مناسب نمود حق را

حق را نتوان شناخت از روی کتاب حکمت نبرد راه به القیم ثواب در وادی معرفت
(باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۱۸)

تنها موارد نوآوری تذکرة کلام الملوک، استفاده از اشعار چند شاعر معاصر خویش است، که اغلب موارد تفاوت نثر این کتاب با نثر تذکرة الأولیا، در همین بخش ها دیده می شود؛ وگرنه در سایر قسمت های نثر کلام الملوک، رونوشت از تذکرة الأولیاست.

۱۱. آوردن جملات کوتاه

یکی از مختصات نثر تذکرة الأولیای عطار و کلام الملوک قزوینی، کوتاهی جمله هاست؛ ویژگی ای که از قرن ششم و پس از آن، جز در گلستان سعدی، متروک شد و در کتاب هایی نظیر کلیله و دمنه، مرزبان نامه، تاریخ و صاف و ... به کارگرفته نشد:

[...] چنان که یکی از او [فضیل] پرسید که تو مشتاق خدایی؟ گفت: نه. گفت: چرا؟ گفت: به جهت آنکه شوق به غایت بود؛ اما چون غایب حاضر شود، کجا شوق بود! گفتند: معرفت چیست؟ گفت: مدارج آن سه است به درجه: اول، اثبات وحدانیت واجد قهار؛ و درجه دوم، بریده کردن دل از ماسوی الله؛ و درجه سوم آنکه هیچ کس را از عبادت کردن آن راه نیست [...] (باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۱۱۴).

شیخ عطار و باباجان، به ندرت از جملات طولانی بهره می گیرند:

[...] و ملاحظان این خطاب و مطالعان این کتاب را که انفس رغایت اولوالالباب و اعظم مواهب ملک و هاب و [...] ارواح و شفای اشباح و موصل علیل به طیب و هادی محبّ محیب و جلای احزان کشف قرآن و سعت ارزاق و طیب اخلاق و فقه اکبر احمدی و شرع اطهر محمدی و بیان اصل اصول دین و ایضاح اسرار وصول و یقین است از اسرار اهل الله با نصیب گردان [...] (همان: ۳۰۰).

ایجاز از ویژگی های آشکار تذکرة الأولیاست. در سراسر متن آن یک جمله یافت نمی شود که به اطناب گراییده باشد. در ذکر سفیان ثوری می گوید:

و سفیان را عادت بود که در مقصود جامع نشستی. چون از مال سلطان مجمره عود ساختند، از آنجا بگریخت تا آن بوی نشنود و دگر آنجا نشست [...] (عطار، ۱۳۳۶: ۲۲۵).

۱۲. نتیجه

باباجان قزوینی کاتب بود و از طریق استنساخ روزگار می گذراند. او از ۱۰۰۱ تا ۱۰۲۸ق با شیخ بهایی در ارتباط مستقیم بوده و در بسیاری سفرها او را همراهی کرده است. دریافت چهار

اجازه روایت که در آخرین آن‌ها شیخ اجازه روایت تمامی آثارش را به حاجی بابا داده و برخی را به صورت خاص نام برده است، نشان‌دهنده کمال اعتقاد شیخ به دانش اوست. باباجان، علاوه بر آثار شیخ بهایی، شرایع الاسلام محقق حلّی را نیز استنساخ کرد. از آنجا که باباجان گرایش عرفانی داشته است، به نظر می‌رسد گزیده‌ای از تذکره‌الاولیا را به نام خود گردآوری کرد. او بنا بر اعتقاد مذهبی خود، تمامی صوفیانی را که پسوند یا پیشوند مرتبط با اهل سنت داشتند، حذف کرد. اما نکته مهم در این است که باباجان گزیده‌ای از تذکره‌الاولیا را فراهم و تحریر و تذهیب کرده است. او عین نسخه عطار را کتابت نکرده، بلکه گاهی کلمات، عبارات، ترکیبات و اشعاری را به آن افزوده است.

هدف باباجان قزوینی این بوده است که در دوران تصوف‌ستیزی در عصر صفوی، یک متن صوفیانه مهم، بازنویسی و به مردم معرفی شود.

پی‌نوشت

۱. نخستین بار در قرن چهاردهم هجری، صدر در تکمله‌ای که بر أمل الآمل، شیخ حرّ عاملی نگاشت، کسی را که شیخ حرّ او را «مولانا حاج بابا بن محمد صالح قزوینی» نامید، با تردید همین حاجی بابای شاگرد شیخ بهاء الدین دانست (حرّ عاملی، ۱۳۶۲: ۴۲/۲). یکسان شمردن این دو شخصیت که با فاصله بیش از هفتاد سال از یکدیگر زیسته‌اند، (یکی متولد حدود ۹۶۵ ق و دیگری معاصر شیخ حرّ عاملی متوفی ۱۱۰۴ ق) نادرست است. به این نکته، آقابرگ تهرانی هم اشاره کرد و با در نظر گرفتن دو مدخل مجزا برای حاج بابا قزوینی، کمال‌الدین ابن میرزاجان و «حاج بابا قزوینی، ابن محمد صالح»، آن‌ها را متفاوت از یکدیگر معرفی کرد. (تهرانی، ۱۳۵۵: ۶۳/۵).

۲. میبیدی در مقدمه کشف‌الأسرار می‌نویسد:

اما بعد، من کتاب شیخ الاسلام، یگانه عصر و فرید دهر، ابواسماعیل عبدالله بن محمد بن علی انصاری (قدس‌الله‌روحه) را که در تفسیر قرآن و کشف معانی آن نگاشته است، بررسی کردم و آن را از جهت عبارت و محتوا و تحقیق و ترصیح، در حدّ اعجاز یافتیم؛ جز آنکه وی در نهایت ایجاز و اختصار سخن گفته و راه کوتاه‌نویسی را در پیش گرفته است و شاید نتوان نیاز دانش‌پژوهی را که به دنبال هدایت است، برآورد یا تشنه‌کامی و سوز سینه‌اندیشه‌ور اهل بصیرت را سیراب کند؛ لذا بر آن شدم تا بال‌های سخن در آن بگشایم و عنان زبان را در تفصیل آن رها سازم (۱۳۳۹: ۱/۱).

منابع

باباجان قزوینی (۱۰۴۳ق)، کلام الملوک، نسخه خطی، ش ۱۰۲۹۴، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
_____ (۱۳۰۰ق)، مشکول حاجی بابا بن میرزاجان قزوینی، ترجمه محمدباقر بن اسماعیل حسینی

خاتون‌آبادی، تهران، چاپ سنگی.

بازن، آندره (۱۳۷۶)، سینما چیست؟، ترجمه محمد شهباز، تهران، بنیاد سینمایی فارابی.

- بشری، جواد (۱۳۹۴)، «حاجی‌بابا قزوینی، برجسته‌ترین شاگرد شیخ بهایی»، جشن‌نامه دانشور فرهنگ‌یار سیدمحمود مرعشی نجفی، ج ۱، ۵۸۵-۶۰۶.
- بندرچی، محمدرضا (۱۳۷۹)، «رسالة حاجی‌بابا قزوینی در شرح یک حدیث نبوی»، علوم حدیث، سال پنجم، ش ۱ (پیاپی ۱۵)، ۱۲۹-۱۳۳.
- بهار، محمّدتقی (۱۳۸۴)، سبک‌شناسی، ج ۲، تهران، امیرکبیر.
- تفتازانی، سعدالدین (۱۳۶۹)، شرح المختصر (شرح مختصر المعانی فی المعانی والبیان والبدیع)، قم، نجفی.
- تهرانی، آقا بزرگ (۱۳۵۵)، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۵ و ۶، نجف، دارالکتب العلمیة.
- _____ (۱۳۸۸)، طبقات أعلام الشیعة، چاپ علی‌نقی منزوی، قم، اسماعیلیان.
- حرّ عاملی (۱۳۶۲)، أمل الآمل، چاپ السیداحمد الحسینی، ج ۲، قم، دار الکتب الاسلامی.
- حسینی اشکوری، سیدجعفر (۱۳۷۴)، فهرست نسخه‌های کتابخانه آیت‌الله فاضل خوانساری، ج ۱، قم، مؤسسه علمی و فرهنگی آیت‌الله فاضل خوانساری-انصاریان.
- _____ و سیدصادق حسینی اشکوری (۱۳۸۳)، فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، زیر نظر سیداحمد حسینی اشکوری، ج ۵، قم، مؤسسه علمی و فرهنگی آیت‌الله فاضل خوانساری-انصاریان.
- حسینی، سیداحمد (۱۳۷۵)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۲۹ و ۷۵، زیر نظر سیدمحمود مرعشی، قم، ختام.
- جانتی، لویس (۱۳۸۱)، شناخت سینما، ترجمه ایرج کریمی، تهران، روزگار نو.
- دانش‌پژوه، محمّدتقی (۱۳۴۰)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دانشگاه تهران.
- ذبیح‌نیا عمران، آسیه (۱۳۹۷)، «بررسی آموزه‌های عرفانی اوشو و تذکرة عرفانی کلام الملوک باباجان قزوینی»، ادیان و عرفان تطبیقی، سال دوم، ش ۲، بهار و تابستان، ص ۱-۲۰.
- _____ (۱۳۹۸)، «بررسی مؤلفه‌های خودشکوفایی و کمال‌طلبی در تذکرة عرفانی کلام الملوک باباجان قزوینی و نظریات آبراهام مزلو»، ادبیات تعلیمی، سال یازدهم، ش ۴۳، پاییز، ص ۱-۱۸.
- روح‌بخشان، عبدالحمید (۱۳۸۸)، «تذکرة الأولیاء در گزارش احوال و افکار و اقوال بزرگان عرفان»، اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۴۶، دی، ص ۵۵-۵۷.
- روضاتی، سیدمحمّدعلی (۱۳۹۱)، در پرتو روضات (پنجاه مقاله در تراجم، کتاب‌شناسی، نسخه‌شناسی و تاریخ)، قم، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.
- شریفی، محمّد (۱۳۸۷)، فرهنگ ادبیات فارسی، ج ۲، تهران، معین.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۲)، سبک‌شناسی نثر، تهران، میترا.
- صادق بروجردی، محمّدمحسن (۱۰۹۵ق)، مجموعه ملامحمّدمحسن بروجردی، نسخه خطی، ش ۳۵۱۴، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- صدرایی خونی، علی (۱۳۷۷)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، با نظارت عبدالحمین حائری، ج ۳۲ و ۳۸، قم، دفتر تبلیغات اسلامی با همکاری کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- طباطبائی بهبهانی، سید محمد (۱۳۸۸)، فهرست مختصر نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- عطار (۱۳۹۳)، تذکره الاولیاء، چاپ محمد استعلامی، ج ۲۵، تهران، زوار.
- _____ (۱۳۳۶)، تذکره الاولیاء، چاپ میرزا محمدخان قزوینی، ج ۵، تهران، دنیای کتاب.
- فاضل مقداد (۹۸۰ق)، کنز العرفان، نسخه خطی، ش ۱۱۶۷۴، فهرست کتابخانه مرعشی.
- قشیری (۱۳۶۱)، رساله قشیریّه، چاپ بدیع الزمان فروزانفر، تهران، علمی و فرهنگی.
- شمس قیس رازی (۱۳۳۸)، المعجم فی معاییر اشعار العجم، چاپ محمد قزوینی، تهران، رشیدیّه.
- مرعشی نجفی، سید محمود و میر محمود موسوی (۱۳۸۷)، بخشی از دست‌نوشته‌های شیخ بهاء‌الدین عاملی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- میلدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۳۹)، کشف الأسرار و عدة الأبرار، چاپ علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر.
- ناجی نصرآبادی، سید محسن (۱۳۸۷)، کتاب‌شناسی شیخ بهایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- هجویری (۱۳۸۶)، کشف‌المحجوب، چاپ محمود عابدی، تهران، سروش.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۶۸)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، ج ۶، تهران، هما.